

تیمور بختیار؛ چالش پهلوی دوم به روایت اسناد

قاسم فتاحی^۱

چکیده

برکناری تیمور بختیار از ریاست ساواک و سپس اعلام بازنشستگی وی از ارتش، باعث بروز چالش‌ها و دردهای فراوانی برای رژیم شاه شد. تیمور، که قبل از آن در سمت‌های مختلفی که داشت، از جمله وفاداران به دربار و افراد نزدیک و مورد اعتماد شخص شاه بود، در سال‌های پایانی دهه ۱۳۴۰ شمسی، به دلیل بروز سوءظن شاه، از قدرت برکنار و زمینه اختلاف میان او و شاه فراهم شد. هدف این مقاله بررسی یکی از دلایل مهم برکناری بختیار یعنی تماس‌های وی با عشایر ایل بختیاری، رفت‌وآمدهای متعدد وی به منطقه‌ی چهارمحال و اصفهان و نیز اقدامات حکومت پهلوی دوم برای مقابله با بروز چالش‌های سیاسی - امنیتی ناشی از حذف تیمور بختیار، از صحنه قدرت در ایران است. بررسی علل و چگونگی برکناری بختیار و به دنبال آن بروز چالش در کشور، و نیز راهکارهای رژیم برای پایان دادن به این چالش، مسئله اصلی پژوهش حاضر است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش اسنادی-تاریخی بوده و از رویکرد تحلیلی، توصیفی و تبیینی برای بررسی موضوع تحقیق استفاده شده است. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر ارتباط تیمور با مردم چهارمحال و بختیاری از یک سو و بهره‌گیری حکومت پهلوی دوم، از طیف وسیع و متنوعی از شیوه‌های اطلاعاتی و امنیتی و اقدامات سیاسی و فرهنگی از سوی دیگر، برای پایان دادن به این چالش است، که سرانجام با قتل بختیار این امر محقق می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تیمور بختیار، پهلوی دوم، چهارمحال و بختیاری، ساواک.

۱. دانشجوی دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران؛ مدیر دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری انقلاب اسلامی استان چهارمحال و بختیاری.
 gh5fatahi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵ نوع مقاله: پژوهشی

Timur Bakhtiar; The second Pahlavi challenge according to the documents

Ghasem Fatahi¹

Abstract

The dismissal of Timur Bakhtiar from the head of SAVAK and then the announcement of his retirement from the army caused many challenges and troubles for the Shah's regime. Timur, who before that was in various positions, was among the loyalties to the court and close and trusted people of the Shah, was removed from power in the last years of the 1960s due to the suspicion of the Shah and disagreement between them. The purpose of this article is to examine one of the important reasons for Bakhtiar's dismissal, namely his contacts with the Bakhtiari tribes, his numerous trips to Chaharmahal and Isfahan, as well as the actions of the Pahlavi II government to deal with the political-security challenges caused by Timur Bakhtiar's removal from the position. Investigating the causes and methods of Bakhtiar's removal and the subsequent emergence of challenges in the country, as well as the regime's solutions to end this challenge, is the main issue of the current research. The method of data collection in this research is documentary-historical and of the method analytical-descriptive. The results of this research show Timur's relationship with the people of Chaharmahal and Bakhtiari on the one hand and the Pahlavi II government's use of a wide and diverse range of information and security methods and political and cultural measures on the other hand to end this challenge, which is finally resulted in Bakhtiar's murder.

Keywords: Timur Bakhtiar, Pahlavi II, Chaharmahal and Bakhtiari, Savak.

1. PhD student of Islamic history, International University of Islamic Religions, Tehran, Iran; Director of the Office of Culture and Sustainability Studies Islamic Revolution Art Field of Chaharmahal and Bakhtiari Province gh5fatahi@gmail.com

مقدمه

در سال ۱۳۳۹ ش، زمانی که زیاده‌روی‌های تیمور بختیار و برخی از خودسری‌ها و اقدامات وی نظیر بی‌اعتنایی به شاه و اعضای خاندان سلطنت و سپس اتهام تلاش برای براندازی شاه، سبب شد تا شاه ابتدا تیمور بختیار را بازنشسته و سپس با اصرار وی بر ادامه‌ی فعالیت‌ها و اقدامات خود، او را از کشور تبعید نماید، بختیار در خارج از کشور یک سلسله تحرکات را علیه شاه سازمان‌دهی نمود، که اسباب ترس و نگرانی رژیم پهلوی را فراهم آورد، لذا به کنترل و مراقبت ویژه ارتباط احتمالی وی با داخل کشور اقدام کرد. با توجه به اینکه کانون اصلی ارتباطات و فعالیت‌های تیمور بختیار، در منطقه چهارمحال و بختیاری بود، لذا در این پژوهش، ضمن تحلیل و تبیین ارتباط تیمور با عشایر بختیاری و مردم چهارمحال به‌عنوان یکی از دلایل اقدام شاه در برکناری بختیار، اقدامات حکومت با هدف مراقبت و کنترل تحرکات حامیان بختیار، و نیز جلوگیری از ارتباطات وی با هواخواهانش در چهارمحال و بختیاری، بر اساس اسناد منتشر شده و آرشیوی، در فاصله سال‌های ۱۳۳۹ ش (برکناری بختیار از ریاست ساواک) تا ۱۳۴۹ ش (قتل بختیار توسط مأموران ساواک) مورد بررسی قرار می‌گیرد. سؤال اصلی تحقیق این است که تماس‌های تیمور بختیار با عشایر بختیاری و مردم چهارمحال چه نقشی در برکناری وی داشته است و پهلوی دوم برای مقابله با چالش تیمور بختیار از چه ابزارها و شیوه‌های بهره گرفته است؟ اگرچه تحقیقات متعددی با موضوع تیمور بختیار به رشته تحریر درآمده است، ولی تاکنون پژوهشی با این عنوان و با این دایره موضوعی و این مسئله پژوهش، که براساس اسناد منتشر شده و منتشر نشده نقش ارتباط تیمور بختیار با عشایر بختیاری و اهالی چهارمحال و اقدامات حکومت پهلوی برای مقابله با چالش بختیار، به رشته تحریر درنیامده است. لذا ضرورت دارد تا در پژوهش حاضر به این موضوع پرداخته شود.

زندگی و فعالیت‌های تیمور بختیار

تیمور بختیار فرزند فتحعلی‌خان سردارمعظم از خوانین مشهور ایل بختیاری در سال ۱۲۹۳ ش، در روستای دزک از توابع شهرکرد متولد شد. تیمور تحصیلات ابتدایی و متوسطه اول خود را در اصفهان و دوره دوم متوسطه را در لبنان به پایان رساند وی سپس برای تکمیل تحصیلاتش به

فرانسه رفت و وارد مدرسه نظامی سن سیر^۱ فرانسه شد. دو سال بعد این مدرسه را با درجه‌ی ستوان دومی ترک کرد و به ایران بازگشت (سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک: ۱/۲۶-۲۷). بختیار در سال ۱۳۱۵ ش داوطلب خدمت در ارتش رضاشاهی شده و با درجه‌ی ستوان دومی مشغول خدمت شد (حسن بیگی، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۴). تیمور در مدت کوتاهی توانست به سرعت مدارج ترقی را طی کند.

در ابتدای حکومت پهلوی دوم و در جریان رفع غائله‌ی آذربایجان، بختیار داوطلبانه برای سازمان‌دهی نیروهای پارتیزانی به منطقه‌ی خمره زنجان که زیر نفوذ برادران ذوالفقاری بود، اعزام شد. اقدامات او در این برخورد، مورد توجه مقامات نظامی قرار گرفت؛ نشان افتخار و یک سال ارشدیت گرفت و پس از مدتی فرمانده سوار هنگ ماکو گردید و در سال ۱۳۲۷ ش درجه‌ی سرهنگ دومی گرفت (طلوعی، ۱۳۷۳: ۲/۲۷۴). سپس برای ادامه‌ی تحصیل به دانشگاه جنگ رفت و در سال ۱۳۲۹ ش با احراز شاگرداولی و کسب نشان درجه اول دانش به سمت رئیس ستاد لشکر گارد شاهنشاهی مشغول به کار شد و در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق، فرمانده تیپ زرهی مستقر در کرمانشاه شد (عربانی، ۱۳۹۰: ۲۲). موفقیت تیمور در پایان دادن به شورش عمویش ابوالقاسم خان در سال ۱۳۳۲ ش، منجر به موقعیت و ترقی بیشتر بختیار شد (فتاحی و ظفریان، ۱۳۹۹: ۱/۳۱۶-۳۲۰).

حضور و نقش‌آفرینی فعال تیمور بختیار در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش که بیشتر از میل و علاقه‌ی وافر وی به کسب قدرت و جاه‌طلبی وی ناشی می‌شد، یکی دیگر از رویدادهایی بود که مسیر بالا رفتن وی از نردبام قدرت را سرعت بخشید. یکی از موارد مهمی که طراحان کودتا برای پیاده کردن نقشه خود به آن احتیاج داشتند، یافتن پشتیبانانی از نظامیان کاملاً وفادار به شاه بود. از این رو کودتاچیان به فکر ترغیب سایر افسران وابسته به دربار برآمدند و با در نظر گرفتن پیوند سببی شاه با ایل بختیاری یکی از گزینه‌ها، تیمور بختیار تشخیص داده شد (فردوست، ۱۳۹۶: ۲/۴۱۶-۴۱۷). سرانجام پس از موفقیت کودتا و سرنگونی دولت مصدق و بازگشت شاه از ایتالیا، تیمور به درجه‌ی سرتیپی ارتقاء مقام یافت و پس از مدت کوتاهی به جای سرتیپ دادستان به سمت فرماندار نظامی تهران و حومه راه‌آهن سراسری منصوب شد (دلدم، ۱۳۷۶: ۲/۵۵۰).

۱. École spéciale militaire de Saint-Cyr.

تیمور بختیار وظیفه‌ی اجرای حکومت نظامی و سرکوب مخالفان را بر عهده گرفت. بختیار ضمن سرکوب مخالفان به تعقیب و آزارهای مخالفان حکومت از جمله هواداران نهضت ملی، اعضای حزب توده و اعضای فدائیان اسلام قرار پرداخت (عربانی، ۱۳۹۰: ۳۵). بدین ترتیب بختیار با درجه سپهبدی، به‌عنوان فرماندار نظامی تهران، مهم‌ترین عامل اختناق و سرکوب رژیم پهلوی تبدیل شد. تیمسار بختیار تا سال ۱۳۲۴، در واحدهای ارتشی مشغول به خدمت بوده و در جریان وقایع آذربایجان به آن استان اعزام و از مرداد سال ۱۳۳۲ شمسی، تا دی‌ماه، ۱۳۳۵ و تأسیس ساواک، فرماندار نظامی تهران و حومه بوده و در آن تاریخ با سمت ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور و معاونت نخست‌وزیری منصوب و تا سال ۱۳۴۰ ش، در همین سمت باقی و سپس بازنشسته شد (ازغندی، ۱۳۸۷: ۲۶۵-۲۶۶). تیمور از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۰، از نزدیکان وفادار به شاه بود.

با آغاز فعالیت رسمی ساواک در اوایل سال ۱۳۳۶ ش، منوچهر اقبال نخست‌وزیر، سرلشکر تیمور بختیار را به‌عنوان معاون نخست‌وزیر و رئیس ساواک معرفی کرد. بنابراین از یک‌سو خصوصیت شخصیتی بختیار و از سوی دیگر وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در دو دهه‌ی مذکور، به شاه اجازه‌ی ورود بختیار را به دستگاه حاکمه داد. تلاش‌های بختیار طی سال‌های ریاست بر ساواک متوجه دو وجه شخصی نیز بود: کسب قدرت سیاسی و افزایش ثروت و دارایی و املاک کلان. با افزایش قدرت تیمور بختیار، ویژگی اساسی فعالیت‌های وی تلاش برای کسب منصب نخست‌وزیری شد. در این راستا بختیار از طریق ارتباطات گسترده با شخصیت‌های داخلی و خارجی سعی نمود موقعیت سیاسی خود را ارتقا بخشد و زمینه‌های کسب مدارج بالاتر را فراهم نماید. همان‌گونه که فردوست اشاره می‌کند، بختیار در ساواک به‌شدت به دنبال جمع‌آوری ثروت افتاد. بنا به گفته‌ی وی بختیار در سال‌های ریاست بر ساواک، ثروتش به میلیاردها تومان رسید و مجموعه‌ی طلاجات و اشیای عتیقه‌ی او بی‌نظیر شد (فردوست، ۱۳۹۶: ۴۱۸/۲).

در یکی از اسناد ساواک به تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۴۴ ش، ضمن شرح جامعی از زندگی و فعالیت‌های تیمور بختیار، فهرست املاک و مستغلات و دارایی‌های او در مناطق مختلف کشور، ذکر گردیده است. (سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۶۱/۱-۶۲). بنابراین پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بختیار به اتکا، مقام خود در سازمان دولت و ارتش توانست

ثروت فراوانی جمع‌آوری نماید. شاپور رواسانی براساس گزارش روزنامه اطلاعات، فهرستی از اموال و دارایی‌های تیمور در ایران را در ۲۹ بند آورده است (رواسانی، بی‌تا: ۲۶۸-۲۶۹).
بختیار از زمان ریاست ساواک تا زمان خروج وی از ایران در بهمن ۱۳۴۰ ش، تلاش‌های هدفمندی را برای به دست آوردن محبوبیت در میان عامه مردم با شرکت در مراسم و حضور در تکیای مذهبی و نیز ارتباط با روحانیون مذهبی آغاز کرد. بررسی اسنادی موجود است که حاکی از حضور بختیار در مراسم عزاداری دسته‌های مختلف در بازار و بازدید از مجالس عزاداری و تکیا و حضور در منازل آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله چهل‌ستونی و نیز تماس با برخی از رهبران جبهه‌ی ملی و وعده‌ی همراهی با آنها در اجرای برنامه‌هایشان در صورت رسیدن به مقام نخست‌وزیری (سپهد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۳۸/۱-۴۵) و فعالیت‌هایی از این دست، برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود است.

پیامدهای برکناری تیمور بختیار و چالش‌های پهلوی دوم

تیمور در اوج قدرت خود در سال ۱۳۳۹ ش، متهم شد که به کمک ایل بختیاری و دوستان و طرفداران خود در ارتش قصد براندازی رژیم را دارد و بدین بهانه از سمت خود برکنار و مدتی بعد، ابتدا به اروپا رفت و سپس عازم عراق شد، در آنجا بود که او با برخورداری از حمایت‌های حزب بعث، به فعالیت علیه رژیم شاه ایران پرداخت. درباره‌ی دلایل برکناری بختیار و خروج او از کشور نظریات مختلفی ارائه شده است. برخی مسئله‌ی دارایی‌های و ثروت کلان بختیار را دلیل طرح اتهامات علیه او بهانه‌ی کنار گذاشتن وی از ساواک بود. برای این کار ابتدا شایعات و سپس مطالبی در مطبوعات کشور مبنی بر سوءاستفاده‌ها و حیف‌ومیل مأمورین دولتی درج شد و بسیاری بر اصل از کجا آورده‌ای قانون تأکید کردند! در مراحل بعد خصوصاً پس از خروج بختیار از کشور و شروع فعالیت سیاسی و عملیات نظامی علیه رژیم پادشاهی گزارش‌های مربوط به اموال و اختلاس وی گسترده‌تر و نهایتاً منجر به برپایی دادگاه غیابی و حکم به مصادره‌ی اموال وی گردید (سپهد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۵۲/۱-۵۳).

عامل دیگر در فراهم شدن بسترها و زمینه‌های برکناری تیمور، رقابت وی با علی امینی بر سر رسیدن به نخست‌وزیری بود. بنابراین هم‌زمان با طرح ادعاهایی علیه ثروت کلان بختیار، امینی نخست‌وزیر وقت، بختیار را عامل شورش‌ها و حرکت‌های سال ۱۳۴۰ ش دانسته و از شاه

تقاضای بازداشت وی را کرد. از اوان حکومت دکتر امینی، زمزمه‌هایی دائر بر مخالفت سپهبد بختیار با دولت امینی به گوش می‌رسید. دکتر امینی طی گفتگویی با شاه، تمام بلوهای اخیر را زیر سر تیمسار بختیار دانست و به شاه گفت تا زمانی که بختیار آزادانه می‌گردد و دست از تحریک برنداشته، ممکن است این وضع ادامه یابد. امینی از شاه تقاضا کرد که موافقت نماید تیمسار بختیار بازداشت گردد. اما شاه با این ادعا که اگر بختیار بازداشت گردد به پرستیژ ارتش لطمه وارد می‌شود به‌خصوص که وی مبارزات زیادی با توده‌ای‌ها و غیره نموده، خواستار خروج او از ایران شد (سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۵۶/۱).

از جمله دلایل دیگری که در برکناری بختیار تأثیرگذار بود، تماس‌های محرمانه وی با مقامات آمریکایی و به‌ویژه گفتگوی محرمانه‌ی با کندی در اسفندماه سال ۱۳۳۹ ش بود، که موجبات سوءظن شاه نسبت به او را فراهم کرده بود. از عوامل مؤثر دیگر در سوءظن شاه نسبت به بختیار تماس وی با عشایر ایل بختیاری، رفت و آمدهای متعدد وی به منطقه‌ی اصفهان و چهارمحال، نزدیکی و ایجاد ارتباط با اشرف و استفاده از نفوذ وی برای رسیدن به این مقام و همچنین ارتباط با شیخ‌نشین‌های عربی در منطقه‌ی خود، حاکی از نیات خطرناک وی برای شاه می‌توانست باشد (صدری، ۱۳۹۲: ۴۹).

در مهرماه ۱۳۴۱ به دلیل نگرانی شاه از قدرت روزافزون تیمور، او رسماً از ارتش بازنشسته شد، و از آن‌پس مخالفتش با شاه شدت گرفت. بختیار پس از برکناری از ریاست ساواک، عازم اروپا شد و تلاش‌هایی را برای ارتباط با شخصیت‌ها و سازمان‌های مخالف رژیم از جمله آیت‌الله خمینی و سران ایل قشقایی آغاز کرد (سپهبد بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۱۸۵/۱-۱۹۷). از ابتدای سال ۱۳۴۴، چون تیمور بختیار در مدت اقامت خود در شهر ژنو سوئیس، اقدامات و فعالیت‌های خود را علیه رژیم پهلوی شدت بخشیده بود، دستور تهیه فهرستی از املاک و مستغلات وی در ایران صادر گردید، تا به بهانه انجام اصلاحات ارضی املاک وی را مصادره و احتمالاً از قدرت اقتصادی او بکاهند.

بختیار پس از چند سال اقامت در فرانسه و سوئیس به تدریج دامنه‌ی تحریکات خود را به کشورهای عربی توسعه داد و در فروردین سال ۱۳۴۷ شمسی عازم لبنان گردید ولی در بیروت به جرم قاچاق اسلحه بازداشت شد. اگرچه تیمور در جریان محاکمه در دادگاه نظامی مدعی شد قصد وی از مسافرت شکار بوده است (سپهبد بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲۸/۲-۲۹).

اما بر اساس اظهارات شاپور زندنیا کارمند سابق شرکت نفت و عضو اوپک که همکار بختیار در این جریانات، قرار بود به اتفاق بختیار با شناسنامه‌ی جعلی از طریق عراق به ایلات بختیاری که قشلاق خود را در نزدیک دزفول می‌گذرانند ملحق شوند (سپهبد بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۳۹/۲). با وجود درخواست دولت ایران از لبنان مبنی بر استرداد بختیار به ایران، دولت لبنان سرانجام بختیار را آزاد کرد و او با دریافت ویزای ورود به سوئیس از لبنان خارج شد (صدری، ۱۳۹۲: ۷۱). در اردیبهشت ۱۳۴۸ ش بختیار به دعوت رژیم بعث به عراق رفت و در شهریور همان سال پس از مصادره اموالش در ایران، توسط دادگاه ارتش غیباً به اعدام محکوم گردید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۸: ۶۴/۱).

تیمور بختیار در عراق، به صورت علنی و آشکار به فعالیت علیه رژیم شاه پرداخت و تلاش کرد تا ضمن ایجاد ارتباط با دانشجویان خارج از کشور، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی، روحانیون و رهبران ایلات و عشایر، به مخالفت و مبارزه سازمان‌دهی شده با حکومت شاه اقدام نماید. از آنجا که هدف تیمور بختیار در این زمان براندازی رژیم شاه از هر راه ممکن بود، بنابراین یکی از راه‌های رسیدن به این هدف را ایجاد بلوا و آشوب و ازدیاد شکاف‌های قومی- محلی در میان اقوام ایرانی و حکومت مرکزی می‌دانست. یکی از عمده‌ترین محورهای فعالیت بختیار در عراق، ایجاد ارتباط با ایلات و عشایر ایران جهت ایجاد ناآرامی و اغتشاش بود. بختیار کوشید تا با ارسال نامه‌های دوستانه و پرداخت کمک‌های مالی برخی از برنامه‌های خود را در نواحی مرزی و داخلی کشور به مرحله اجرا گذارد و بدین وسیله اعتماد آنان را برای انجام فعالیت‌های بعدی خود جلب کند. در این باره وی ضمن ارسال نامه و حواله پول برای روسا و کلانتران ایل بختیاری برای جلب محبت و جذب آنان تلاش می‌کرد. اما از سوی دیگر ساواک نیز که در مناطق ایل‌نشین نسبت به فعالیت‌های افراد خصوصاً در مناطق مرزی حساس بوده و به شدت نامه‌ها و تردد افراد این مناطق را کنترل می‌کرد، با بسیاری از افراد ایل در تماس بوده و در نتیجه از نامه‌نگاری‌ها، ملاقات‌ها و فعالیت‌های بختیار و همکاران و طرفدارانش مطلع بود. بنابراین در بسیاری از موارد پاسخ نامه‌های بختیار به هدایت ساواک صورت می‌گرفت (سپهبد بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۹۳/۳).

در مهرماه سال ۱۳۴۸ ش، ساواک چهارمحل و بختیاری در گزارشی به فرماندهی گروهان ژاندارمری شهرکرد با موضوع: «بهرام» (از اسامی مستعار ساواک برای تیمور بختیار) به ارسال

نامه‌ای از طرف بختیار به غلامعلی و فرهاد سلطانی کلانتر ایل [طایفه] گندلی (قندعلی) اشاره می‌کند و ضمن اعلام سلامتی خویش از آنان درخواست می‌کند تا «از سلامتی خودتان و ایلتان و اوضاع ایلی و محل کاغذ بنویسید و برای آقا میرزا نصیر نیکبخت [شوهرخواهر تیمور بختیار] در اردل بفرستید برای من خواهد فرستاد...» (سند شماره ۳۰۴/۳۹۵؛ در انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۸: ۲). تیمور با ارسال این گونه نامه‌ها قصد کسب اطلاع از وضعیت ایل بختیاری و آزمایش میزان وفاداری و همراهی آنان با خود برای انجام اقدامات و فعالیت‌های بعدی را داشته است.

اقدامات و تلاش‌های حکومت پهلوی برای مقابله با تحرکات بختیار

اسناد زیادی در مورد انجام اقدامات امنیتی و اطلاعاتی پهلوی دوم، در چهارمحل و بختیاری از سال ۱۳۴۶ به بعد در ارتباط با موضوع تیمور بختیار وجود دارد و گزارش‌های متعددی از ارتباط ساکنین منطقه با او، توسط شهربانی و ساواک منطقه، به مرکز مخابره گردیده است. در تاریخ اول آبان ماه ۱۳۴۶ ش اداره ضداطلاعات وابسته به مرکز توپخانه اصفهان در نامه‌ای محرمانه‌ای به فرماندهی سازمان ضداطلاعات ارتش، از مراقبت و کنترل بستگان تیمور بختیار گزارش می‌دهد. در بخشی از متن این نامه آمده است: «... استوار یکم ابوالحسن مردانی مأمور این ضداطلاعات که [در] مورخه ۴۶/۸/۱۱ [۱۳] به شهرکرد و توابع مربوطه عزیمت و مورخه ۴۶/۸/۲۱ [۱۳] مراجعت نموده است، پیرامون اطلاعیه مزبور گزارش تسلیم [نموده] ضمناً از منابع دیگری که از اوضاع و احوال منطقه بختیاری اطلاعاتی دارند، در این مورد کسب اطلاع که نتیجه کلی آن ذیلاً به استحضار می‌رسد:

۱. آقای مجید محتشم بختیاری در شهرکرد منزل ندارد و به‌علاوه ایشان که از عموزاده‌های سپهبد سابق بختیار می‌باشد فعلاً وکیل مجلس شورای ملی است و در تهران سکونت دارد و [در] چند ماه اخیر [به] منطقه بختیاری مسافرت ننموده است.
۲. آقای مجید معظم بختیار که از برادران سپهبد سابق بختیار می‌باشد به اتفاق برادر خود منوچهر خان در قریه دزک [در] چند فرسخی شهرکرد که جزو بخش کیار شهرکرد می‌باشد سکونت داشته‌اند.»

در ادامه این سند به اقدامات مرکز ژاندارمری و ساواک استان اصفهان در فرمانداری کل

چهارم حال و بختیاری، ضعف مسئولین فرمانداری کل و دوستی و رفت و آمد روسای ادارات با خوانین منطقه اشاره شده است (مراسان، ش. بازیابی: ۴۲-۱۶۲۱۰۴۲۱).
در یکی دیگر از اسناد، که به نظر می‌رسد گزارشی از طرف یکی از مخبران رکن دو ارتش خطاب به ریاست دایره دوم رکن دوم نیروی زمینی ارتش باشد، و در مهرماه سال ۱۳۴۷ تهیه شده است؛ به احتمال اقدامات تیمور بختیار در منطقه و تشکیل اتحادیه‌ای علیه شاه، اشاره شده است. متن این سند چنین است:

«ریاست دایره دوم رکن دوم نیروی زمینی شاهنشاهی

محترماً به عرض می‌رساند: جان‌نثار آنچه شنیدم برای اطلاع می‌نویسم چند روز قبل چند نفر در منزل مجید محتشم بختیاری صحبت می‌کردند از بختیاری‌های بانفوذ بودند می‌گفتند که سپهبد تیمور بختیار چند هواپیما اسلحه فرستاده در کوه‌های بختیاری که بختیاری‌ها با فارس‌ها و اعراب دست‌به‌هم بدهند بر علیه دولت آشوب کنند تا این را شنیدم، ناراحت شدم، محض اطلاع نوشتم ممکن است در منزل مصباح فاطمی هم در اصفهان با مردم بختیاری رابطه‌هایی و چیزهایی باشد که بعداً به ضرر دولت باشد محض اطلاع عرض شد. شهر کرد - ع. بختیاری
تقریباً پانزده روز قبل چند اشخاصی از بختیاری در منزل مجید محتشم بودند» (مراسان، ش. بازیابی: ۱۶۲۱۰۴۰).

با توجه به هراس شاه و حساسیت وی نسبت به فعالیت‌های بختیار، ارسال گزارش فوق موجبات نگرانی دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم پهلوی را فراهم کرد. بنابراین سازمان ضداطلاعات ارتش در اصفهان، ضمن تهیه گزارشی با موضوع: «سپهبد بازنشسته تیمور بختیار»، به منظور کسب دستور، به مرکز ارسال نمود.

در بخشی از این سند آمده است: «اطلاعیه واصله در مورخه ۴۶/۷/۲۷ حاکی بود که در دو هفته قبل در شهر کرد در منزل مجید محتشم بختیاری افراد بانفوذی از بختیاری‌ها مجتمع و طبق اظهارات آنان سپهبد تیمور بختیار چند فروند هواپیما پر از اسلحه به کوه‌های بختیاری ارسال تا در منطقه مزبور با همکاری بختیاری‌ها و فارسی‌ها و اعراب ایجاد آشوب و بلوا بنمایند. ضمناً در منزل مصباح فاطمی در اصفهان نیز رابطه‌هایی با بختیاری‌ها به ضرر دولت مشاهده می‌شود.»

در ادامه این سند اشاره شده است که مفاد اطلاعیه مزبور در مورخه ۱۳۴۶/۷/۲۶ به اداره ضداطلاعات وابسته به مرکز توپخانه اصفهان ارسال گردیده ... در این گزارش همچنین آمده

است:

«بنابراین با عطف توجه به موارد بالا مجید محتشم بختیار نماینده مجلس شورا از اردل پشتکوه می‌باشد و در تهران ساکن است و مجید معظم بختیار برادر سپهد سابق که تا زمان بازرسی در قریه دزک بوده به اتفاق برادرش حاج منوچهر خان به تهران اعزام و تحت نظر می‌باشند.

ضمناً با توجه به تحقیقات انجام شده در محل و قراء اطراف و مصاحبه با اشخاص مطلع در منطقه ارسال اسلحه به منطقه بختیاری وسیله هواپیما مورد تأیید قرار نگرفته است و چنین اظهار نظر شده که اگر اسلحه در منطقه آورده شده و پخش گردد اشخاص مطلع بلافاصله باخبر می‌شوند درحالی که همین اشخاص ازدیاد اسلحه در منطقه را تکذیب کرده‌اند.

مجید محتشم بختیاری برادری دارد در قریه دستنآ از توابع بخش کیار شهر کرد به نام یحیی خان این شخص در اصفهان نیز منزلی دارد و بین اصفهان و قریه مذکور رفت و آمد دارد.

برابر تحقیقات انجام شده یحیی خان و سناتور سابق جهانشاه خان صمصام بختیاری (که در قریه قلعه تک) - بخش کیار شهر کرد ساکن است و همچنین افراد دیگری از بختیاری‌ها گاهی اوقات در اصفهان به منزل مصباح فاطمی رفت و آمد دارند لکن چنین اظهار نظر می‌شود که اصولاً قدرت و سلطه خوانین بختیاری در محل بسیار ضعیف و نزدیک به صفر رسیده است گرچه با از دست دادن قدرت و نفوذ اکثر خوانین افراد ناراضی می‌باشند لکن گفته می‌شود عملی از آنان ساخته نیست.

شخصی به نام عبدالغفار غفاری گروهبان سابق ارتش (که به علت تیراندازی به یحیی خان بختیاری از خدمت ارتش اخراج شده) و فعلاً در قریه دستنآ بختیاری ساکن و اخباری نیز در اختیار ساواک شهر کرد قرار می‌دهد اظهار داشت که (در بخش کیار شهر کرد بخشدار آقای صالحی فردی ضعیف‌النفس و الکی بوده و همچنین آقای حجت فرماندار کل و آقای پاکدامن فرماندار شهرستان شهر کرد و آقای مهندس حقی رئیس سازمان اصلاحات ارضی شهر کرد همه اشخاص ضعیفی بوده و با خوانین موجود در منطقه رفت و آمد و دوستی دارند و همچنین رفت و آمد رؤسای ادارات به منازل خوانین و غیره باعث می‌شود که عشایر منطقه و زارعین که از قید خدمت خوانین به ستوه آمده بودند هنوز تصور کنند که دولت و عوامل خدمت در منطقه هنوز طرفدار خوانین هستند و اظهار نظر می‌کنند که چنانچه این اشخاص از منطقه تعویض و اشخاص دیگری به جای آنان منصوب گردند و هیچ‌گونه رفت و آمد با خوانین نمایند قطعاً این

توهم بیجا نیز از بین خواهد رفت. صدور هرگونه امری موقوف به فرموده عالی است». (مراسان، ش.بازیابی: ۴۵ و ۱۶۲۱۰۴۴).

نگرانی ساواک و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی پهلوی از احتمال ارتباط تیمور بختیار با افراد سرشناس ایل بختیاری و احتمال بروز شورش و ناآرامی در استان‌ها و مناطق بختیاری‌نشین در سال ۱۳۴۷ ش همچنان ادامه داشت. بررسی اسناد موجود به‌خوبی مؤید این امر است. در یکی از این اسناد آمده است: «... برابر اطلاع واصله از ارتش سوم مدتی است عده‌ای از بختیاری‌های آبادان اجتماعاتی در نقاط مختلف به عناوین مختلفه تشکیل می‌دهند که ظاهراً برای تشکیل شرکت تعاونی و یا ساختمان حسینیه و یا کودکستان و غیره ولی در معنی مذاکراتی به طرفداری سپهبد سابق بختیار می‌نمایند». در ادامه این سند ضمن اشاره به اسامی گردانندگان این اجتماع به فعالیت‌های «ملیحه بختیار» خواهر تیمور و ارتباط با وی انجمن بختیاری‌های آبادان آمده است: «... اجتماعات فوق را بر اساس طرفداری از سپهبد بختیار اداره می‌نمایند و این فعالیت در منطقه بختیاری که اقوام و بستگان نزدیک و دوستان سپهبد بختیار سکونت دارند بیشتر و شدیدتر انجام می‌گردد و به‌طوری که گفته می‌شود مسئله اظهار تنفر از سپهبد بختیار و اعلام در جراید برای جلب نظر مقامات دولتی و خام کردن دستگاه بود و گرنه در واقع حقیقتی نداشته است بدین ترتیب در دو منطقه ذکر شده (آبادان و بختیاری) فعالیت‌هایی به نفع سپهبد بختیار می‌شود و انتشار داده شده که سپهبد بختیار را در کشور عربی آزاده کرده‌اند و همان‌طوری که اعلام گردید دسته موافق وسیله بعضی مقامات حساس تقویت و پشتیبانی می‌شود...» (مراسان، ش.بازیابی: ۵۷ و ۱۵۰۳۲، ۵۶۰۰۰۰۰).

در آبان ماه سال ۱۳۴۶ شمسی اداره کل سوم ساواک کل کشور ملی نامه‌ای به رئیس ساواک فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری با «موضوع: حاج علیخانی» (از اسامی مستعار تیمور بختیار). خواهان کنترل و مراقبت اقدامات و فعالیت‌های بستگان تیمور بختیار و این که آنان مأموریت خلع سلاح عشایر را انجام داده‌اند یا خیر؟ در بخشی از این سند آمده است: «... آیا تاکنون جمشید امیر بختیار و عبدالمجید بختیار بختیاری‌ها و ملک‌شاه ظفر که از طرف آقاخان بختیار، رستم بختیار و جهان‌شاه صمصام مأموریت داشته‌اند تا به منطقه وارد و کلیه عشایر را که دارای سلاح غیر مجاز بوده‌اند خلع سلاح نمایند اقداماتی انجام گرفته یا خیر. در صورت اول از نتیجه اقدامات آنان این اداره کل را با اطلاع سازند. مدیر کل اداره سوم - مقدم» (مراسان، ش.بازیابی:

۱۰۰۰۰۱۷۱۰۹).

ساواک چهارمحال و بختیاری در تاریخ ۱۳۴۷/۲/۷، در پاسخ به استعلام اداره کل سوم ساواک کشور در مورد کنترل و مراقبت از بستگان تیمور بختیار و گزارش اقدامات آنان، اعلام می‌دارد، که رفت و آمد این افراد به‌ویژه جمشید بختیار و رستم امیر بختیار عادی بوده و خطری ندارد و اظهارات آنان هم بیشتر تبلیغاتی است و آنان قادر به جمع‌آوری سلاح نمی‌باشند. در بخشی از متن این سند که «تحت عنوان حاج ایلخانی» ثبت گردیده، آمده است:

«عطف به شماره ۳۰۶ هـ/ ۱۳۴۷/۲/۱-۳۰۴ از افراد موردنظر فقط جمشید بختیار در آبان‌ماه سال گذشته به شهرکرد وارد و در دو شبانه‌روز در این منطقه اقامت و در این مدت یک‌شب میهمان آقای جهانشاهی رئیس اداره دارایی شهرکرد و یک‌شب میهمان فرماندار کل آقای حجت و یک روز میهمان عبدالله قاسمی اهل و ساکن شهرکرد بوده و یک روز هم به شمس‌آباد املاک شخصی خود رفته است و در مدت اقامتش فعالیت‌هایی برای جمع‌آوری اسلحه ننموده فقط تبلیغ برای خود و رستم امیر بختیار دایر بر اینکه روسای ادارات این منطقه با نظر ما تعیین می‌شوند و آقای بلوکی را [ما] به سمت دادستان شهرکرد انتخاب کردیم... این آقایان از این پیش‌آمدها قصد دارند به نفع خود استفاده تبلیغاتی نموده و عمل مثبتی انجام نمی‌دهند. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت چهارمحال و بختیاری - فرزانه» (مراسان، ش.بازیابی: ۱۱۰۰۰۰۰۱۷۱۰۹).

موضوع فعالیت‌های مشکوک در منطقه بختیاری در سی و هفتمین جلسه شورای هماهنگی رده یک فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری که در روز دوشنبه ۱۳۴۷/۱۰/۹ با حضور سرهنگ محبوبیان رئیس ساواک چهارمحال و بختیاری، سرگرد ملکی رئیس شهربانی شهرکرد و سروان پیروی فرمانده گروهان ژاندارمری چهارمحال و بختیاری، تشکیل شده، مورد بررسی قرار گرفته است. در این جلسه رئیس شهربانی با ارائه نامه‌ی گروه اطلاعاتی شهربانی کل کشور در مورد فعالیت‌های مشکوک در بختیاری؛ اظهار داشت با توجه به این که چنانچه تجمع از طرف بختیاری‌ها صورت گیرد خارج از حوزه استحفاظی شهربانی است و شهربانی خارج از منطقه استحفاظی عواملی ندارد، خواستار دستور فرماندهی ژاندارمری منطقه به پاسگاه‌های خود برای اقدام در این مورد شد. فرمانده گردان ژاندارمری شهرکرد نیز پاسخ داد که در این باره به‌طور غیر محسوس و از طریق پاسگاه‌های تابعه اقدام لازم به‌عمل خواهد آمد (مراسان، ش.بازیابی: ۶۳۰۰۰۰۰۱۵۰۲۲).

امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت ایران در ۸ مرداد ۱۳۴۷ ش به شهرکرد سفر کرد. بررسی اسناد موجود نشان می‌دهد که سفر وی به شهرکرد هم در راستای اطلاع از اوضاع منطقه و دلجویی از سران عشایر بختیاری برای جلوگیری از گرایش آنان به سمت تیمور بختیار و همراهی احتمالی آنان با وی بوده است. در یکی از اسناد شهربانی کل کشور، متن تلگرافی از سرگرد ملکی رئیس شهربانی چهارمحال و بختیاری، موجود است، که در آن نامبرده، گزارشی از سفر هویدا به شهرکرد را به رئیس اداره اطلاعات شهربانی کل کشور مخابره نموده است. در بخشی از این سند آمده است:

«از شهرکرد به تهران. شهربانی کل کشور تیمسار ریاست اداره اطلاعات

جناب آقای نخست‌وزیر ساعت ۱۲ روز ۴۷/۵/۸ به شهرکرد وارد و پس از گردش پیاده در شهرکرد به فرمانداری کل وارد و ناهار را در فرمانداری کل صرف پس از صرف غذا به مستدعیات سران عشایر و روسای ادارات رسیدگی و ساعت ۱۵ وسیله هلیکوپتر به طرف اصفهان عزیمت فرمودند» (مراسان، ش.بازیابی: ۰۱۷۱۵۰۵۲).

بررسی سندی شش برگی به تاریخ احتمالی ۱۳۴۷/۳/۲۳ موجود در آرشیو اسناد و مدارک مرکز اسناد انقلاب اسلامی، که توسط نگارنده مورد بررسی قرار گرفت، گزارشی است از ساواک چهارمحال و بختیاری در رابطه با «بی‌بی عظیمه بختیار». در این گزارش که منظور از تهیه آن «عدم همکاری فرماندار کل چهارمحال و بختیاری، با مشاور امور اجتماعی فرمانداری کل چهارمحال و رئیس سازمان زنان منطقه»، بیان شده است؛ اطلاعات بسیار ارزشمندی در مورد وضعیت چهارمحال و بختیاری در آن سال‌ها و همچنین میزان نفوذ تیمور بختیار در بین مردم منطقه، در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. در بخشی از متن این سند ضمن ارائه سابقه‌ای از خانم بی‌بی عظیمه بختیار، به همکاری وی با ساواک در مورد فعالیت‌های تیمور بختیار اشاره دارد: «... نامبرده بالا خاله بهرام [تیمور بختیار] و عیال مرحوم ابوالقاسم خان بختیار می‌باشد و خانمی است تحصیل کرده و مدتی در اروپا زندگی نموده و به زبان انگلیسی آشنایی کامل دارد مشارالیه در ایل بختیاری بخصوص در اولادان حاج ایلخانی (طایفه بختیار) دارای نفوذ زیادی می‌باشد شخص مذکور مدت سه سال است که با ساواک همکاری دارد و یک منبع باارزش برای دستگاه محسوب می‌شود و اخباری که از فعالیت بهرام [تیمور بختیار] در منطقه به دست می‌آورد به‌موقع گزارش می‌کند» (مراسان، ش.بازیابی: ۰۱۶۰۱۰۸۸-۹۳).

در همین راستا و به منظور خنثی نمودن اقدامات تیمور بختیار، جهت ارتباط با سران ایل بختیاری، دولت پهلوی فعالیت‌هایی را نیز در راستای تشکیل جلسه با سران عشایر بختیاری، برگزاری سمینار، نمایش فیلم و صدور قطعنامه با هدف توجیه آنان به عدم همکاری با تیمور و اعلام وفاداری به حکومت پهلوی، سازمان‌دهی کرده است. در همین ارتباط شهربانی شهرکرد، کلیه سران و روسای طوایف بختیاری را به شهرکرد دعوت و اقدام به برگزاری سمینار سران عشایر بختیاری در تاریخ اول تیرماه ۱۳۴۸ نمود. (مراسان، ش.بازیابی: ۱۵۰۳۲۰۰۰۰۰۶۵). بررسی اسناد نشان می‌دهد که این برنامه در روز بعد هم با دعوت رئیس ساواک شهرکرد از روسای عشایر بختیاری در سینما زهره شهرکرد، ادامه یافته است. چنانچه به استناد گزارش ارسالی شهربانی شهرکرد به رئیس شهربانی کل کشور به موضوع برگزاری سمینار و قرائت و تأیید قطعنامه پایانی سمینار سران طوایف بختیاری در شهرکرد اشاره شده است. در بخشی از متن این سند آمده است: «محترماً پیرو گزارش شماره ۴۸/۴/۲-۵/۳۵۹ به عرض می‌رساند در ساعت ۱۰ روز ۴۸/۴/۲، پس از خاتمه سمینار سران طوایف بختیاری بنا به دعوت رئیس سازمان اطلاعات و امنیت محل دعوتی از آقایان در سالن سمینار زهر [زهره] شهرکرد به عمل آمده و پس از نمایش دو حلقه فیلم قطعنامه سمینار قرائت و تأیید گردید» (مراسان، ش.بازیابی: ۰۱۵۰۳۲۰۰۰۰۰۵۷).

چند روز پس از برگزاری این سمینار، دریافت اخباری از ارتباط احتمالی تعدادی از ساکنین شهرکرد با تیمور بختیار در عراق، موجب شد، تا رئیس اداره اطلاعات، در نامه‌ای به رئیس شهربانی شهرکرد از وی درخواست نماید که، «... چون براساس اطلاعات رسیده،^۱ عده‌ای از بختیاری‌های ساکن شهرکرد که [نام برخی از آنان در این سند ذکر شده است] با ارسال نامه‌ای برای تیمور بختیار طرفداری خود را از وی و حکومت عراق اعلام داشته‌اند. خواهشمند است دستور فرمایید به‌طور غیرمحسوس در این باره تحقیق و نتیجه را ضمن تعیین مشخصات کامل نامبردگان به این اداره اعلام دارند» (مراسان، ش.بازیابی: ۰۱۶۰۶۱۰۰).

۱. منظور از اطلاعات رسیده، نامه‌ای است که توسط فردی ناشناس به رئیس شهربانی کل کشور نوشته شده و در آن اسامی ده نفر بختیاری ذکر شده که با ارسال نامه‌ای طرفداری خودشان را از تیمور بختیار اعلام کرده‌اند. این سند به شماره ۰۱۶۰۶۰۹۹ در آرشیو اسناد و مدارک مرکز اسناد انقلاب اسلامی نگهداری می‌شود. همچنین در گفت و گوهای نگارنده با تعدادی از اهالی چهارمحال و بختیاری که در آن سال‌ها در کشور کویت مشغول به کار بودند، مشخص گردید که عوامل تیمور، با روش‌های مختلف اقدام به عضوگیری از بین کارگران ایرانی شاغل به کار در کویت، می‌کرده‌اند.

دربار پهلوی در سال ۱۳۴۸ ش، نیز همچنان نگران فعالیتهای ضد رژیم تیمور بختیار و احتمال ارتباط وی با سران ایلات بختیاری و قشقایی بوده است. چنانچه در گزارشی که در تاریخ ۱۳۴۸/۳/۱۹، توسط سازمان ضداطلاعات ارتش با موضوع «سپهد بازنشسته تیمور بختیار» و به منظور «کسب دستور» تهیه گردیده است. ضمن اشاره به عزیمت تیمور بختیار از سوئیس به عراق، به اقدامات وی در بغداد اشاره شده است. در بخشی از متن این سند آمده است: «... اعلام گردید که در مورد روابط تیمور بختیار و ناصر قشقایی و همچنین ارتباط وی با ایل بختیاری هر نوع شایعه‌ای در محل موجود است گزارش نمایند. پاسخ واصله حاکی است که پیرامون روابط بختیار با ایل بختیاری شایعاتی در اصفهان موجود است، ولی درباره روابط بختیار با سران قشقایی و خسرو و ناصر قشقایی شایعه‌ای شنیده نشده است. دستور داده شد مأموری از اصفهان به شهرکرد اعزام تا عمق روابط بختیار و سران ایل مذکور را بررسی نموده و نتیجه را گزارش نماید». در ادامه این سند به ارتباط تیمور با حزب دموکرات عراق؛ تماس خانم سرتیپ منصور نگهبانی با دختر بختیار در آمریکا و گزارش شخصی از اهالی حلبچه عراق، در مورد توجه زیاد عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر و دولت‌های عربی و این که با تحویل مقدار زیادی اسلحه قرار است، تیمور بختیار مأموریت انجام جنگ‌های پارتیزانی در مرزهای ایران را به عهده داشته باشد، مطالبی آورده شده است. همچنین در بخش پایانی این سند به ملاقات تیمور بختیار با جلال طالبانی در شهرستان حلبچه عراق اشاره شده است (مراسان، ش.بازیابی: ۶ و ۰۱۶۲۱۰۸۵).

بررسی اسناد نشان می‌دهد که، در مرداد ماه سال ۱۳۴۸، با توجه به تشدید فعالیتهای ضد پهلوی بختیار در عراق، مراقبت و کنترل ساواک، بر ایل بختیاری هم تشدید گردید. در همین راستا «مقدم» مدیرکل اداره سوم ساواک کل کشور طی نامه‌ای به رئیس ساواک استان دهم (اصفهان) با موضوع: «ایلات و عشایر بختیاری» دستور داد تا «... به تهیه موارد مشروحه زیر با استفاده از منابع و امکانات موجود اقدام و نتیجه را سریعاً اعلام دارند.

۱. تعیین محل یا محل‌هایی که عشایر بختیاری در آن منطقه زمان ییلاق و قشلاق خود را سپری می‌نمایند.

۲. تعیین نام طوایف و تیره‌های مختلف عشایر و سران آنها.

۳. تعیین اینکه کدام‌یک از واحدهای عشیره‌ای مذکور بیشتر به بهرام [تیمور بختیار] سمپاتی دارند.

۴. تعیین تعداد نفرات هر ایل، طایفه و تیره با ذکر اسامی آنها به طور جداگانه و مشخص.

۵. ارسال اسامی افراد که دارای اسلحه مجاز و یا غیرمجاز در آن منطقه می‌باشند.

ضمناً با توجه به دستورالعمل‌های صادره نتیجه حاصله از اقداماتی که تاکنون به منظور نفوذ در طوایف مختلف عشایر بختیاری برای کسب خبر از فعالیت آنها به نفع سوژه [تیمور بختیار] انجام داده‌اند را نیز اعلام دارند» (سند شماره ۳۰۲/۲۶۳۷-۴۸/۵/۱۱؛ در انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۸: ۲۷). به دنبال گسترش فعالیت‌های بختیار در عراق و ایجاد ارتباط گسترده با گروه‌ها و افراد مختلف در ایران، آموزش نظامی و تسلیح طرفدارانش در عراق، تلاش جهت اجرای عملیات نظامی در ایران و گسترش محبوبیت و مقبولیت وی به‌عنوان عنصر ضد رژیم و حمایت عراق از وی، درحالی‌که بین دو کشور ایران و عراق روابط خصمانه‌ای وجود داشت، جملگی منجر به افزایش اتهامات وی گردید. دولت ایران اقدام به ضبط و مصادره‌ی اموال بختیار کرد. لایحه‌ی قانون سلب عناوین و ضبط اموال تیمور بختیار در تاریخ ۵ تیر ۱۳۴۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسید (سپهبد بختیار به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۱۵۰/۱).

تیمور بختیار سرانجام در مرداد ۱۳۴۹ ش، هنگامی که به‌اتفاق چند نفر برای شکار به منطقه‌ی دیاله در حوالی بغداد رفته بود، توسط یکی از نزدیکان خود که عامل نفوذی ساواک بود، به قتل رسید. براساس گزارش ساواک چهارمحال و بختیاری، سرهنگ بازنشسته «حمید بختیار» برادر تیمور در حدود یک سال بعد از قتل وی، هنگامی که در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۵۰ ش، در منزل «بی‌بی ملیحه بختیار» در شهر کرد، مهمان وی بود، واقعه قتل برادرش تیمور را به نقل از «پروین» خواهر دیگرش این‌گونه روایت کرده است:

«یک افسر ایرانی مأمور قتل بختیار می‌شود و به‌عنوان اینکه از ایران فرار نموده به عراق می‌رود، و پس از نزدیکی با تیمور بختیار با همکاری شخصی به نام «لجمیری» که قبلاً در شرکت نفت آبادان کار می‌کرده با نظر پسر بختیار به نام «بهمن» جریان رفتن به شکار را تدارک می‌بینند پس از رسیدن به محل تعیین شده، لجمیری ابتدا به‌منظور شکار، تیمور بختیار را سرگرم می‌کند، درنتیجه افسر مزبور ابتدا با شلیک یک گلوله به بازوی راست وی که اسلحه در دست داشته او را از کار می‌اندازد و سپس دو گلوله دیگر به ناحیه کمر و کتف وی شلیک کرده و بعد از کشتن محافظ بختیار که یک نفر عراقی بوده فرار می‌کند. تیمور بختیار که زخمی شده بود سعی می‌کند خود را با اتومبیل به بیمارستان برساند ولی اتومبیل مذکور قبلاً توسط شخص لجمیری خراب

می‌شود در نتیجه در اثر خونریزی زیاد پس از دو روز در بیمارستان فوت می‌کند. گزارشگر ساواک در ادامه می‌نویسد: «سرهنگ بازنشسته حمید بختیار اضافه می‌نماید که برادرم مجید بختیار در قتل تیمور دست داشته و به خاطر همین کارش فعلاً از سازمان امنیت حقوق می‌گیرد» (سند شماره ۱۹/۴۰۲۳ هـ، ۵۰/۶/۱۲؛ در انقلاب اسلامی به روایت اسناد، ۱۳۸۸:۶۴ و ۶۳). بنابراین با ترور بختیار توسط مأموران ساواک، پرونده یکی از مخالفین جدی شاه که حدود ده سال، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی پهلوی دوم را به خود مشغول کرده بود، برای همیشه بسته شد.

نتیجه‌گیری

در فاصله سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۹ ش، مهم‌ترین مسئله‌ای که موجبات توجه ساواک و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی حکومت پهلوی دوم را به منطقه چهارم‌حال و بختیاری فراهم می‌کرد، مسئله «تیمور بختیار» و امکان ارتباط وی با اهالی منطقه، با هدف سازمان‌دهی مردم برای سرنگونی حکومت شاه بود. نتایج حاصل از این پژوهش که به شیوه‌سندپژوهی به انجام رسیده است، نشان می‌دهد که حکومت پهلوی برای رهایی از چالش بزرگی که پس از حذف بختیار از صحنه قدرت، با آن روبه‌رو شده بود. تلاش کرد تا از طریق اقداماتی نظیر: کنترل و مراقبت دقیق افراد مظنون به ارتباط با تیمور؛ مصادره اموال و دارایی‌های بختیار با هدف کاستن از قدرت اقتصادی وی؛ رصد تحرکات ساکنین مناطق چهارم‌حال و بختیاری، اصفهان و خوزستان برای جلوگیری از تشکیل اتحادیه‌ای علیه رژیم پهلوی؛ همسو کردن ایلات و عشایر (بختیاری و قشقایی) با برنامه‌ها و سیاست‌های دولت مرکزی؛ برگزاری گردهمایی‌ها و سمینارهای توجیهی و تشویقی با حضور سران و رؤسای طوایف مختلف ایل بختیاری؛ سفر امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت به شهرکرد، و دلجویی از سران عشایر بختیاری برای جلوگیری از گرایش آنان به سمت تیمور بختیار، به این چالش پایان دهد. سرانجام پهلوی دوم با ترور بختیار، و حذف فیزیکی وی به این مقصود نائل آمد.

کتابنامه

الف) اسناد

مَراسن (مرکز اسناد انقلاب اسلامی) ش.بازیابی: ۴۲-۱۶۲۱۰۴۲۱؛ ۱۶۲۱۰۴۴؛ ۱۶۲۱۰۴۵؛ ۱۵۰۳۲۰۰۰۰۵۶؛ ۱۵۰۳۲۰۰۰۰۵۷؛ ۱۰۰۰۰۰۱۷۱۰۹؛ ۱۱۰۰۰۰۰۱۷۱۰۹؛ ۱۵۰۳۲۰۰۰۰۵۷؛ ۱۶۰۱۰۸۸؛ ۱۵۰۳۲۰۰۰۰۵۷؛ ۱۶۰۶۰۹۹؛ ۱۷۱۵۰۵۲؛ ۱۵۰۳۲۰۰۰۰۰۶؛ ۱۵۰۳۲۰۰۰۰۰۶۵؛ ۱۶۰۱۰۸۸.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روز شمار چهارمجال و بختیاری (اداره کل اطلاعات استان چهارمجال و بختیاری)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۸.

سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک (اولین رئیس ساواک)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.

ب) کتاب

ازغندی، سید علیرضا، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران: سمت، ۱۳۸۷.

رواسانی، شاپور، دولت و حکومت در ایران، تهران: نشر شمع، بی تا.

دلدم، اسکندر، خاطرات من و فرح پهلوی، ج ۲، تهران: نشر گلفام، ۱۳۷۶.

حسن بیگی، محمدابراهیم، شکار در شکارگاه، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.

طلوعی، محمود، بازیگران عصر پهلوی، ج ۲، تهران: نشر علم، ۱۳۷۲.

طلوعی، محمود، پدر و پسر، تهران: نشر علم، ۱۳۷۲.

فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: اطلاعات، به سفارش مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

عربانی، جواد، پدر ساواک، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.

صدری، منیژه، تیمور بختیار به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

فتاحی، قاسم و داراب ظفریان، تاریخ انقلاب اسلامی در چهارمجال و بختیاری، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۹.

۰۱۶۰۶۱۰۰



وزارت کشور
شهربانی کل کشور

از :
اداره :
دائره :
شماره : ۲۵۷-۲-۵۱۰۳
تاریخ : ۸/۳/۴۸

نمونه - ۱
در جواب مراسله حروف و
اعداد ممیزه که مضمم شماره
است با شماره ذکر شود

تعمیرات محترم

از : ادارات اطلاعات

به : ریاست شهربانی شهرکرد

درباره : اعلام طرفداری از بختیار

اطلاع رسید و حاکمیت و هدایای ساکنین شهرکرد از جمله ناهبندگان زیر:

- ۱- اسفندیار اسکندری ۲- سردار اسکندری ۳- سهراب علیخانی ۴- منوچهر
 - اقبال ۵- علی ضامن علیخانی ۶- محمدصادق ملک محمدی ۷- کریم اقبالی
 - ۸- حسن خان ملک محمدی ۹- سلطان اقبالی ۱۰- اسمعیل خمیسروری
- با ارسال نامه برای تیمور بختیار به طرفداری خود را از روی حکومت هرا اعلام داشتند
خواهشمند است دستور فرمائید بطور غیر محسوسه را این بار تحقیق و نتیجه را ضمن تمهین
مشخصات کامل ناهبندگان باین ادارات اعلام دارند *

رئیس ادارات اطلاعات سرهنگ پرتان

۵۷-۲-۵۱۰۳

رئیس دایره ۲ سرکرد نعمتی

تعمیرات محترم



۱۷۱۰۹۰۰۰۰۰۰۱۰

از اداره کل سوم (۳۰۴) شماره
 تاریخ
 پیوست
 به ریاست ساواک فرمانداری کل سازمان اطلاعات امنیت کشور
 چهارم حال بختیاری
 در باره: حاج ایلخانی

پهرو شماره ۴۶/۸/۳-۳۰۴/۴۳۰۰۰

خواهشمند است دستور فرمائید با توجه بنامه پهروی فوق تحقیق
 نمایند که آیا تاکنون جمشید امیربختیار و عبدالمجید بختیار بختیارها
 و ملکشاه ظفرکه از طرف آقاخان بختیار، رستم امیربختیار و جبهان‌شاه
 صمصام ماموریت داشته اند تا به منطقه وارد و کلبه عثمانی را که
 دارای سلاح غیرمجاز بوده اند خلع سلاح نمایند اقداماتی
 انجام گرفته یا خیر. در صورت اول از نتیجه اقدامات آنان این
 اداره کل را با اطلاع سازند.

مدیرکل اداره سوم . مقدم

رهبر عملیات . فروتن

رئیس دایره عملیات . عبدالمجید

رئیس بخش مستقل ۳۰۴ . پروین

در پیوسته دست نوشته فوق کتبی بود
 اسناد در ۲۸۷۱ بختیاری است
 ۱۳۰۴/۸/۳
 ۱۳۰۴/۸/۳



۱۷۱۰۹۰۰۰۰۰۰۱۱

شماره هـ/۲۲۲
تاریخ ۴۷/۲/۷
پیوست



به مدت یک ماه (۳۰۴)

از ساواک چهارم حال و بختیاری

در باره حاج ابوالحسن

ص.ف.ب.شماره ۳۰۴/۵۳۰۶ - ۱۳۴۷/۲/۱

از افراد مورد نظر فقط جمشید بختیار در آبانماه سال گذشته بشهر کرد وارد ودوشبانه روز در این منطقه اقامت و در این مدت یک شب میهمان آقای جهانشاهی رئیس اداره دارایی شهرکرد و یک شب میهمان فرماندار کل آقای حجت و یکروز نهار میهمان عبدالله قاسمی اهل وساکن شهرکرد بوده و یکروز هم به شمس آباد املاک شخصی خود رفته است و در مدت اقامتش فعالیتی برای جمع آوری اسلحه نمود و فقط تبلیغ برای خود و رستم امیر بختیار دایر بر اینکه روسای ادارات این منطقه بانظر ما تعیین میشوند و آقای بلوکی را بسمت دادستان شهرکرد انتخاب کردیم (توضیح آنکه در آن تاریخ بعلت انتقال دادستان قدیم هنوز مقامات رسمی تعیین نشده اند که چه کسی بدین سمت تعیین شده است و بعداً آقای بلوکی با این سمت باین منطقه منتقل گردید) همچنین مطالب دیگری که طی شماره ۱۴۱/هـ - ۲۶/۱/۴۷ اعلام گردیده است . منظور از توضیحات مذکور در فوق این است که این آقایان از این پیش آمد ها قصد دارند بمنفع خود استفاده تبلیغاتی نموده و عمل مثبتی انجام نمیدهند بخصوص جمشید بختیار که شخصی است معتمد به انصون و قادر بانجام جمع آوری سلاح میباشد .

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت چهارم حال و بختیاری . فرزانه



۰۱۶۰۱۰۸۸

حسینی مچرمانه

شماره
تاریخ
پیوست

از
گزارش

مخت فیزی
سازمان اطلاعات اینت کتر
س.ا.د.ا.ک

درباره خانم بی بی عظیمه بختیار
محترماً با ستحضار میرساند .

منظور:

عدم همکاری فرماندار گل چهارمحال و بختیاری با مشاور امور اجتماعی فرماندار گل چهارمحال و رئیس سازمان زنان منطقه .

سابقه:

۱- نامبرده بالا خاله بهرام و عیال مرحوم ابوالقاسم خان بختیار میباشد و خانم است تحصیل کرده و مدت در اروپا زندگی نموده و بزبان انگلیسی آشنایی کامل دارد مشارالیهها در ایمل بختیاری بخصوص در اولاد ان حاج ایلیخان (طایفه بختیار) دارای نفوذ زیادی میباشد و در ایلات بختیاری وزنه ای محسوب میشود .

۲- شخص مذکور مدت سه سال است که با ساواک همکاری دارد و یک منبع با ارزش برای دستگاه محسوب میشود و اخباری که از فعالیت عوامل بهرام در منطقه بدست میآورد بموقع گزارش میکند .

۳- بنابه پیشنهاد این اداره گل و تصویب تیمسار ریاست معظم ساواک نامبرده با توصیه ساواک از سال ۵۴ سمت مشاور امور اجتماعی فرمانداری گل چهارمحال و بختیاری برگزیده شده مشارالیهها اخیراً گزارش بساواک چهارمحال و بختیاری تسلیم داشته و با بررسی که از گزارش مزبور بعمل آمد عدم همکاری فرماندار گل چهارمحال و بختیاری را با وی میرسانند

حسینی مچرمانه

۴۶-۱۱۶

۰۱۶۲۱۰۴۰

۴۶/۷/۱۰

ریاست دایره دوم رن دوم نیروی زمینی شاهنشاهی
محترماً* بعرض میرساند . جان نثار آنچه شنیدم برای اطلاع می نویسم
چند روز قبل چند نفر در منزل مجید محتشم بختیاری صحبت میکردند
از بختیارهای با نفوذ بودن می گفتند که سپهبد تیمور بختیار چند هواپیمای
اسلحه فرستاده در کوههای بختیاری که بختیاری ها با فارس ها و اعراب
دست به هم بدهند بر علیه دولت آشوب کنند تا این را شنیدم ناراحت -
شدم محض اطلاع نوشتم ممکن است در منزل مصباح فاطمی هم در اصفهان
با مردم بختیاری رابطه هائی و چیزهائی باشد که بعداً* به ضرر دولت
باشد محض اطلاع عرض شد . شهرکرد - ع بختیاری
تقریباً* ۳ روز قبل چند اشخاصی از بختیاری در منزل مجید محتشم بودند .



۰۱۶۲۱۰۴۴

تاریخ ۱۳۶۱/۱۱

موضوع سپهبد بازنشسته تیمور بختیار

تهیه کننده سازمان ضد اطلاعات

منظور کسب دستور

گزارش

اطلاعیه واصله در مورخه ۱۳۶۱/۷/۲۷ حاکی بود که در دو هفته قبل در شهرکرد در منزل سعید محتشم بختیاری افراد بانفوذی از بختیارها مجتمع و طبق اظهارات آنان سپهبد تیمور بختیار چند فرزند و همچنین بر اساس بکوهبندسای بختیاری ارسال تاد در منطقه مزبور با همکاری بختیارها و فرانس ها و اعراب ایجاد آشوب و بلوا بنمایند ضمناً در منزل صباح فاطمی در اصفهان نیز رابطه هائی با بختیارها به سردولت مشاهده میشود .
مخاد اطلاعیه مزبور در مورخه ۱۳۶۱/۷/۲۶ به اس و ابسته بوکرتوپخانه اصفهان ارسال اینک پاسخ واصله شرح زیر از عرض میگردد .

۱- استواریکم ایوا لحسن مودانی مأمور این ضد اطلاعات که در مورخه ۱۳۶۱/۸/۱۱ بشهرکرد و توابع مربوطه عزیمت و در مورخه ۱۳۶۱/۸/۲۱ مراجعت نموده است پیرو این اطلاعیه مزبور گزارش تسلیم ضمناً از منابع دیگری که از اوضاع و احوال منطقه بختیاری اطلاعات دارند در این مورد کسب اطلاع که نتیجه کلی آن نیلا باستحضار میرسد .

(۱) آقای سعید محتشم بختیاری در شهرکرد منزل ندارد و بعلاوه ایشان که از فرزاده های سپهبد سابق بختیار میباشد فعلاً در کیل مجلس شورای ملی است و در تهران سکونت دارد و چند ماه اخیر بنطقه بختیاری مسافرت ننموده است .
(۲) آقای سعید معظم بختیار که از نوادگان سپهبد سابق بختیار میباشد با اتفاق برادر خود منوچهر بوخان در قریه دزک - چند فوسخی شهرکرد که جزو بخش کبار شهرکرد میباشد سکونت داشته اند .

(۳) در ماههای قبل در همین زمینه اطلاعیه از طرف مرکز به ژاندارمری و ساواک استان ایلام و در این مورد اقداماتی انجام شده حتی وسیله ژاندارمری شبانه منزل آقای سعید معظم بختیار (نوادگان سپهبد سابق) بازرسی و جزئیات مشخصه اسلحه و مقدار کسب سوخته تریاک کشف نگردیده و بدنیال این بازرسی بود که به سرتیپ پرندهیان دادستان نظامی ویژه اصفهان رشوه داده میشود و ساواک از جریان امر مطلع و با حضور نمایندگان ضد اطلاعات اطالی و لباس سرتیپ مسز بهر بازرسی و اسکان سها تیکه شماره آنها قبلاً یاد داشت شده بود از جهت شلوار تیمسار مزبور خانج و باصورتیله بنمایند .
دادستان ارتش تحویل و تیمسار مزبور بشیران اعزام شده

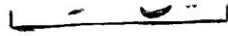
(۴) بنا بر این باعطف توجه به وارد بالا سعید محتشم بختیار نماینده مجلس شورا از اردل پشتکوه میباشد و در تهران ساکن است و سعید معظم بختیار نوادگان سپهبد سابق که تا زمان بازرسی در قریه دزک بوده با اتفاق برادرش حاج منوچهر بوخان بشیران اعزام و تحت نظر میباشد .



مهر سازمان

سازمان ضد اطلاعات

۰۱۶۲۱۰۸۵



تاریخ ۰ ۴۸/۳/۱۹
موضوع ۰ سپهبد بازنشسته تیمور بختیار
تهیه کننده سازمان ضد اطلاعات (شعبه ضد براندازی-۳)
منظر ۰ کسب دستور

گزارش

موضوع :

- ۱- اطلاعیه واصله در مورخه ۴۸/۲/۲۶ حاکی بود که نامبرده بالا در دو هفته قبل در بغداد در یک ماشین سواری قهوه رنگ با چهار نفر اسکورت دیده شد ماست .
- ۲- اطلاعیه واصله در مورخه ۴۸/۲/۳۰ حاکی بود که روز نامه الجمهوریه به مناسبت تیمور بختیار و با یکی از مخبرین جرید رم باعکس و به تفصیل انتشار و اشاره نموده که مشارالیه در شام یک شاهنشاه ایران بوده و قریباً "بشهران مراجعت خواهد نمود .
- ۳- اطلاعیه واصله حاکی بود تیمور بختیار در انگلستان با رامتین جهت تجهیز مخالفین تماس حاصل نموده و تا ده روز قبل در سوئیس دیده شده و امکان دارد به بغداد عزیمت نموده باشد .
- ۴- ناصر قشقائی ضمن ملاقات تیمور بختیار جهت تجهیز مخالفین بآمریکا عزیمت و برادر مشارالیه خسرو قشقائی در اسلامبول ترکیه دیده شده است .
- ۵- در باره بهره برداری از مفاد اطلاعیه واصله بغداد اطلاعات وابسته بارتش سوم و مرکز توپخانه موشکها اعلام گردید که دمورد روابط بختیار و ناصر قشقائی و همچنین ارتباط وی با ایل بختیاری هر نوع شایعه ای در محل موجود است گزارش نمایند .
- پاسخ واصله حاکیست که پیرا مؤر و رابط بختیار با ایل بختیاری شایعاتی در اصفهان موجود است ولی در باره روابط بختیار با سران قشقائی و خسرو و ناصر قشقائی شایعه ای شنیده نشده است دستور داده شد مأموری اصفهان بشهر کرمانشاه تا همقر و رابط بختیار و سران ایل مذکور را بررسی نموده و نتیجه را گزارش نماید .
- ۶- اطلاعیه واصله در مورخه ۴۸/۳/۱۱ حاکی بود که سپهبد بازنشسته تیمور بختیار حزب دمکرات عراق را اداره مینماید مفاد اطلاعیه فوق در شورای هم آهنگی رده ۲ مطرح و مراتب وسیله ساواک تکذیب شده است .
- ۷- اطلاعیه واصله در مورخه ۴۸/۳/۱۳ حاکی بود که خانم مسرتیب منصورنگهبانی با دختر سپهبد سابق تیمور بختیار در آمریکا تماس حاصل نموده که مفاد اطلاعیه مزبور بوابستگی نظامی ایران

خیلی محرمانه

